

چشم‌انداز روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران – ارمنستان و قابلیت آن در ترانزیت گاز

علی امیدي^۱

جمهوری اسلامی ایران و ارمنستان بنا به ملاحظات ژئوپلیتیک و هم‌تکمیلی منافع و اهداف سیاست خارجی، دارای مناسبات حسنه و به دور از تنش هستند. این امر موجب شده است که دو کشور همکاری متقابل اقتصادی رو به افزایش را تجربه نمایند، اما به دلیل اقتصاد محدود و شکننده ارمنستان، این کشور نمی‌تواند نیازهای اقتصادی ایران را پاسخگو باشد؛ ولی ارمنستان می‌تواند نقش پل مواصلاتی بالقوه در معادلات ژئوانرژی جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز، اوکراین و در نهایت اروپای شرقی از طریق خط لوله گاز موسوم به "جریان سفید" را ایفا نماید.

این مقاله استدلال می‌کند که مشارکت احتمالی جمهوری اسلامی ایران در طرح جریان سفید در راستای منافع کشورهای صادرکننده، ترانزیت‌کننده و مصرف‌کننده است، اما سیاست‌های ژئوانرژی آمریکا و روسیه مانعی در این راه است و بحران ۲۰۱۴ اوکراین در عین حال که بر پیچیدگی آن افزوده است، ولی اهمیت آن را بیشتر کرده است.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، ارمنستان، گاز طبیعی و خط لوله گاز جریان سفید.

^۱ نویسنده مسئول، استادیار دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

مقدمه

بیش از ۲۰ سال است که جمهوری اسلامی ایران و ارمنستان به عنوان همسایگان قابل اعتماد برای یکدیگر تبدیل شده‌اند. ایران استقلال ارمنستان را در تاریخ ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱ به رسمیت شناخت (عطایی، ۱۳۹۱: ۱۲۰) و از آن زمان به بعد، دو کشور تا به حال اختلافات مرزی، قومی، مذهبی یا رقابت اقتصادی با هم نداشته‌اند. در حال حاضر، قریب صد هزار ارمنی در ایران زندگی می‌کنند که بسیاری از آنها در تهران ساکن هستند (Moniquete and Racimora, 2013: 1-3).

علاوه بر این، کلیسای وابسته به خلیفه‌گری ارامنه در ایران ده‌ها هزار پیرو دارد که آنها را تبدیل به بزرگ‌ترین اقلیت مسیحی در این کشور کرده است. ارمنی‌هایی که پس از انقلاب اسلامی در ایران باقی ماندند از زندگی خود راضی بوده و مورد حمایت دولت می‌باشند و در مجلس و شوراهای شهر نماینده دارند (Winrow, 1995: 98). بیش از ۲۰۰ کلیسا در سراسر ایران وجود دارد و اگرچه کریسمس روز تعطیل ملی نیست، اما به رسمیت شناخته می‌شود (Moniquete and Racimora, 2013: 5). ارتباط میان جامعه ارمنی ایران و جمهوری ارمنستان، همکاری بین دو کشور را تسهیل کرده و هر دو جوامع در ایران و در ارمنستان در تجارت، امنیت انرژی و فرهنگ و هنر همراه یکدیگر می‌باشند. بنابراین، باید بگوییم که حضور جامعه ارمنی در ایران عنصر مهمی از راهبرد دیپلماتیک تهران در منطقه قفقاز است (هرسیچ، ۱۳۸۷: ۶۴-۶۵).

در حال حاضر، دو کشور موافقی را که در چندین سال گذشته باعث ایجاد مشکلاتی در صدور کالا می‌گردید را برداشته‌اند که این موضوع به طور پیوسته تجارت دو جانبه را گسترش داده است. جمهوری اسلامی ایران همچنین تلاش‌های موفقی را در جهت میانجیگری در مناقشه قره‌باغ میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان انجام داده که با استقبال طرف‌های مناقشه روبه‌رو شده است (حیدری، ۱۳۸۶: ۱۰۹-۱۰۷).

با این حال با توجه به تحولات اوکراین و کریمه در نیمه اول ۲۰۱۴ و تشدید اختلافات گازی روسیه با اوکراین و اروپا، جمهوری اسلامی ایران به عنوان بزرگ‌ترین دارنده ذخایر گازی جهان، می‌تواند یکی از منابع بالقوه تامین انرژی کشورهای اروپای شرقی و اتحادیه اروپا در بلند مدت باشد. از طرف دیگر، مهم‌ترین برنامه محوری دولت آقای روحانی، احیای دیپلماسی انرژی و استفاده از ظرفیت‌های نفت و گاز کشور برای خنثی‌سازی

تحریم‌های بین‌المللی است. بر اساس آخرین گزارش رسمی موسسه بریتیش پترولیوم انگلیس تا پایان سال ۲۰۱۲ میلادی ایران با در اختیار داشتن بیش از ۳۳/۶ تریلیون مترمکعب ذخایر گاز طبیعی، با پیشی گرفتن از روسیه به بزرگ‌ترین دارنده ذخایر گاز جهان تبدیل شده است (BP, 2013: 20). متأسفانه ایران با وجود در اختیار داشتن ذخایر عظیم گاز و قرار گرفتن در یک موقعیت راهبردی جغرافیایی به عنوان دروازه طلایی صادرات، سوآپ و ترانزیت گاز، هم‌اکنون در بازار جهانی گاز سهمی کمتر از یک درصد را در اختیار دارد.

در این بین هر چند مذاکرات و قراردادهایی به منظور صادرات گاز ایران با همسایگان مختلف امضا شده است که از جهات عملی پیشرفت لازم را نداشته است، اما صادرات گاز به کشورها از مسیر خط لوله بیش از آن که مزیت درآمدهای اقتصادی و ارزی به همراه داشته باشد به عنوان یک برگ برنده در تعاملات و روابط دیپلماتیک و خارجی کشورها در افزایش جایگاه امنیت ملی، نقش‌آفرینی می‌کند. از این رو، روسیه با وجود اختلاف نظر متعدد با اتحادیه اروپا، اما صرفاً با ساخت چند خط لوله انتقال گاز توانسته است در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی ۲۸ کشور عضو اتحادیه اروپا نسبت به خود تأثیرگذار باشد. (Shukman, BBC News: 2014) در شرایط فعلی ظرفیت تولید گاز شیرین توسط پالایشگاه‌های ایران حدود ۵۴۰ میلیون مترمکعب است که در صورت راه‌اندازی تمامی فازهای پارس جنوبی و برخی از میدان‌ها مستقل گازی همچون کیش، فرزاد و لاوان این ظرفیت از مرز یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون مترمکعب در روز عبور می‌کند. همچنین ظرفیت انتقال گاز طبیعی کشور به حدود ۷۳۰ میلیون متر مکعب برآورد شده است (سایت رسمی شرکت ملی گاز ایران، ۱۳۹۲ و خبرگزاری مهر، ۱۱ شهریور ۱۳۹۲).

از این رو، برنامه‌ریزی برای تکثیر مجاری صادراتی گاز ایران در زمره راهبرد ژئوانرژی ایران قرار گرفته است. با توجه به اینکه صادرات گاز ایران از طریق سه سناریو امکان پذیر است:

۱. ایران - ترکیه - اروپا، ۲. ایران - عراق - سوریه - لبنان - اروپا، ۳. ایران، ارمنستان - گرجستان - اروپا (ماجدی، فرارو: ۱۳۹۳).

بنابراین احداث خط لوله گاز از طریق ارمنستان و اتصال آن به خط لوله جریان سفید در گرجستان و در نهایت صادرات گاز به اوکراین، مولداوی و اروپا از طرح‌های در دست مطالعه وزارت نفت می‌باشد. در همین راستا، مقاله حاضر قابلیت اجرایی چنین طرحی را با توجه به روند روابط جمهوری اسلامی ایران و ارمنستان می‌کاود.

سؤال اصلی این مقاله عبارت است از، کشورهای ایران و ارمنستان برای گسترش مناسبات راهبردی در عرصه انرژی و انتقال گاز به اروپا با چه فرصت‌ها و چالش‌هایی روبه‌رو می‌باشند؟

فرضیه مقاله حاضر این است که بسترهای مثبت روابط جمهوری اسلامی ایران و ارمنستان و همچنین امتیازات ژئوپلیتیک دو کشور امکان صادرات گاز جمهوری اسلامی ایران از طریق ارمنستان به گرجستان، اوکراین و در نهایت اروپای شرقی را بالقوه دارا است. ولی موانعی چون تحریم انرژی از سوی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران و استراتژی انحصارگرایی صادرات گاز توسط روسیه مشکلاتی را در این راه ایجاد کرده‌اند.

این مقاله مبتنی بر چندین مفروض است: یکی این که کشورهای دارنده ذخایر گاز نقش رقیب را برای یکدیگر دارند و در ایجاد طرح‌های مشترک صادرات گاز از طریق خط لوله اکراه نشان می‌دهند؛ از این رو، صرف‌نظر از مسائل سیاسی، جمهوری آذربایجان در صادرات گاز ایران از طریق خاک خود حداقل در کوتاه مدت رغبت نشان نخواهد داد. دیگر این که بروز بحران اوکراین از دسامبر ۲۰۱۳ و وخامت روابط مسکو-غرب و همچنین تنش‌زدایی در روابط تهران-غرب در پی ریاست جمهوری آقای حسن روحانی، اروپا را به واردات گاز از ایران ترغیب خواهد کرد. بنابراین دور از انتظار نیست که نقش جمهوری اسلامی ایران در تامین گاز اروپا در پی بحران اوکراین پررنگ‌تر شود. ضمن این که باید در نظر داشته باشیم مشکل روسیه با اروپا محدود به اوکراین و بحران فعلی نیست. مفروض دیگر این است که پدیده شیل گس^۱ در آینده نزدیک نمی‌تواند معادلات بازار انرژی جهان را بهم بریزد.

هدف اصلی مقاله شناسایی فرصت‌ها و موانع همکاری جمهوری اسلامی ایران با کشورهای قفقاز جنوبی در راستای انتقال خط لوله گاز طبیعی به قفقاز و اروپای شرقی می‌باشد.

^۱. Shale Gas

- اخیراً بازارهای جهانی گاز با پدیده‌ای تازه مواجه شده‌اند که حاصل توسعه و پیشرفت فناوری و سرمایه‌گذاری در این حوزه است. ظهور پدیده شیل گس (shale Gas) که باعث تولید گاز با استفاده از فناوری های نوین از سنگ‌های رسی شده و اصطلاحات تولید گازهای نامتعارف نام گرفته، باعث شده که بازار جهانی گاز به سمت مازاد عرضه حرکت کند. ظهور این فناوری که در حال حاضر از آن به عنوان انقلابی در دنیای انرژی یاد می‌شود، می‌تواند به عنوان چالش اصلی تولیدکنندگان گاز در آینده به حساب آید زیرا ورود برخی کشورهای تولیدکننده این نوع گاز به بازار انرژی که پیش از این خود بزرگ‌ترین خریداران و مصرف‌کنندگان گاز در جهان به شمار می‌رفتند، معادلات بازار انرژی را به هم خواهد زد.

چارچوب نظری

نظریه‌ها از دو زاویه به مطالعه سیاست خارجی می‌پردازند. دسته‌ای، سیاست خارجی دولت‌ها را در چارچوب دیدگاه‌های کلان روابط بین‌الملل مانند واقع‌گرایی، امپریالیسم، لیبرالیسم، فرانوگرایی، تکوین‌گرایی و غیره مورد تحلیل قرار می‌دهند و طیف دوم، نظریه‌هایی هستند که به توضیح سیاست خارجی دولت‌ها در سطح خرد می‌پردازند و به عوامل داخلی، جغرافیایی، تاریخی و منطقه‌ای در تعیین سیاست خارجی دولت‌ها اولویت می‌دهند. نظریات خرد، معتقد هستند که سیاست خارجی برخی دولت‌ها از ویژگی‌های خاصی برخوردار است که باید برچسب خاصی داشته باشد و ممکن است همزمان برخی از ابعاد نظریات کلان را داشته باشند، ولی عملاً نمی‌توان صرفاً در چارچوب یک نظریه کلان آن را توجیه و تفسیر کرد. نتیجه طبیعی این مسئله در بررسی رفتار سیاست خارجی یک کشور این است که یک دولت، بر اساس شرایط تاریخی و جغرافیایی خاص خود، استراتژی خاصی را برای سیاست خارجی خود تعریف می‌کند و بر اساس آن دست به کنش می‌زند (Hudson, 2005: 253-270).

از این رو برای ارزیابی عوامل دوری و نزدیکی دو کشور، می‌بایست شرایط خاص کشورها و معادلات منطقه‌ای را مورد توجه قرار داد و بعضاً الگوهای کلی به تنهایی تبیین‌گر نوع روابط کشورها نیست. با این وصف، نظریه نظام منطقه‌ای لوییس کانتوری^۱ و استیون اشپیگل^۲، دو پژوهشگر آمریکایی تا حدودی علل همکاری، رقابت و دشمنی در روابط دولت‌ها را تبیین می‌کند. به نظر نگارنده، ترکیب این الگو با الگوهای سازگار دیگر مانند کارکردگرایی می‌تواند برای تحلیل عوامل و موانع همگرایی در روابط دو کشور مفید باشد. کانتوری و اشپیگل "میزان انسجام و هم‌تکمیلی منافع" را به عنوان مهم‌ترین عامل موثر درون منطقه‌ای برای تعیین میزان دوستی و دشمنی دو کشور قلمداد کرده‌اند. منظور از انسجام، "همسویی دیدگاه‌ها و منافع" و نیز "مکمل بودن" واحدهای سیاسی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. همچنین سابقه تاریخی روابط نیز در تعمیق دوستی یا دشمنی در مناسبات میان کشورها بسیار حائز اهمیت است. البته ممکن است دو یا چند کشور از جهت هم‌تکمیلی سیاسی و اقتصادی به توسعه روابط علاقه‌مند باشند؛ اما نقش و نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای در عدم تحکیم و واگرایی کشورها موثر است. بعضاً شرایط و اهمیت ژئوپلیتیک

^۱. Louis J. Cantori

^۲. Steven L. Spiegel

یک منطقه به گونه‌ای است که چندین قدرت برون منطقه‌ای تعریض به دخالت در یک نظام منطقه‌ای می‌گردند. به عبارت دیگر منافع و انگیزه دخالت برای قدرت‌های برون منطقه‌ای از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت است و این به علت کشش‌های متفاوت ژئوپلیتیک مناطق مختلف برای قدرت‌های برون منطقه‌ای است (امیدی، ۱۳۸۸: ۴۱).

در نظریه‌های ژئوپلیتیک نیز اعتقاد بر این است که کشورهای دارای تقارن جغرافیایی غالباً مناطق ارتباط سیاسی دوجانبه و چندجانبه را شکل می‌دهند و سیاست خارجی آنها شدیداً از همدیگر تأثیر می‌پذیرد. هر چه همسویی منافع ژئوپلیتیک بیشتر باشد، اثرپذیری متقابل بیشتر است و بسته به نوع رابطه متقابل و مکملی تا اقتصادی و سیاسی، انتظار همگرایی میان کشورها بیشتر است. نظریات کارکردگرایی نیز معتقد است، دوستی و حسن همجواری دولت‌ها می‌تواند با توجه به متغیرهای اقتصادی، فنی و سازمانی توسعه یابد؛ یعنی اگر روابط متقابل، نیازهای دو کشور، خصوصاً اقتصادی را تأمین نماید باید شاهد گسترش روابط و نهادینه شدن صلح بین آنها بود. کارکردگرایان نوین نیز علاوه بر متغیرهای اقتصادی، بر روی عوامل سیاسی، نقش نخبگان و رهبران سیاسی نیز تأکید دارند (امیدی، ۱۳۸۸: ۴۱).

ارمنستان در قالب سیاست خارجی تکمیل متقابل^۱ علاوه بر تنظیم روابط با قدرت‌های بزرگی چون روسیه و آمریکا، روابط متوازی را در روابط با ایران دنبال می‌کند. در واقع با توجه به اینکه ارمنستان با دو همسایه خود، ترکیه و جمهوری آذربایجان روابط عادی ندارد به دنبال رابطه متوازن با قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله جمهوری اسلامی ایران، روسیه و آمریکا است. برقراری روابط متوازن با قدرت‌های بزرگ، ایجاد روزنه ژئوپلیتیک برای حفظ امنیت و تأمین منافع ملی از اهداف اصلی سیاست خارجی ارمنستان است. ارمنستان یک کشور محصور در خشکی است و در شرایط کنونی در حالت نه جنگ و نه صلح با جمهوری آذربایجان بر سر مناقشه قره‌باغ است. مرز غربی آن با ترکیه بسته است و تنها دو راه ارتباط جغرافیایی با گرجستان و ایران دارد. بنابراین، طبیعتاً این کشور با چنین وضعیتی به دنبال رابطه متعادل با قدرت‌های منطقه‌ای چون ایران می‌باشد (Galstyan, 2013).

جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان کشوری اسلامی-انقلابی، هر چند به دنبال نفی ساختارهای سلطه‌گرایانه در صحنه بین‌الملل است ولی این هدف را در چارچوب عزت،

^۱. Complementarity

حکمت و مصلحت» مورد توجه قرار می‌دهد. بنابراین، مؤلفه‌های انقلابی مانع از نادیده گرفتن واقعیت‌های ژئوپلیتیک در سیاست خارجی ایران نبوده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۲۹-۱۸۰). یکی از اولویت‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حسن‌همجواری با همسایگان اعم از مسلمان و غیرمسلمان و ایجاد عمق استراتژیک در قفقاز است و روابط با ارمنستان نیز در این چارچوب می‌گنجد.

پیوندهای اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و ارمنستان

طبق اعلام وزارت خارجه ارمنستان، دو کشور ایران و ارمنستان تاکنون چندین موافقت‌نامه دوجانبه در زمینه انرژی، ورزش، حفاظت از محیط‌زیست، مراقبت‌های بهداشتی، کشاورزی، آموزش و پرورش، علوم و فرهنگ امضاء کرده‌اند (Ministry of ...Armenia, 2012). تهران و ایروان همچنین در سال ۲۰۰۹، هشت یادداشت تفاهم در خصوص انجام انواع طرح‌های مشترک اقتصادی از جمله ساخت و ساز نیروگاه برق آبی بر روی رودخانه ارس، خطوط جدید راه‌آهن و یک خط لوله نفت را منعقد کرده‌اند (قیصری، ۱۳۸۸: ۱۳۲).

همچنین، تهران و ایروان در موارد متعددی بر سر مبادلات آزاد تجاری مذاکره کرده‌اند که در صورت توافق، می‌تواند تجارت ارمنستان با ایران را که تا به امروز به دلیل موانع سنتی پایین بوده است، را افزایش دهد (Tehren Times, 25 Dec 2011). یکی از مواردی که می‌تواند بستر ساز توسعه روابط دو کشور باشد، طرح ساخت خط راه‌آهن ۴۷۰ کیلومتری است که می‌تواند وسیله امنی برای انتقال کالاهای ایرانی به سمت دریای سیاه و کالاهای ارمنستان به سمت خلیج فارس باشد (Monique and Racimora, 2013: 9-16). این خط راه‌آهن همچنین امکانات سفرهای مسافران که به طور عمده در زمینه‌های آموزشی، ورزشی و گردشگری است را فراهم می‌کند (Makhsudyan, 2010).

امروزه جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از شرکای بزرگ اقتصادی ارمنستان قلمداد می‌شود، اگرچه ارمنستان فرصت‌های اقتصادی خود را پس از عضویت در سازمان تجارت جهانی در تاریخ ۵ فوریه ۲۰۰۳ تا حدودی گسترده‌تر کرده است. طبق گفته گریگور آراکلیان، سفیر ارمنستان در تهران در سال ۲۰۱۱ ایران جزء هفت شریک بزرگ تجاری ارمنستان بوده است و روابط تجاری ایروان با تهران در آن سال به سقف ۳۲۹ میلیون دلار رسید (خبرگزاری ایسنا، ۱۲ آذر ۱۳۹۱). همچنین در آن سال ۸۱۸ شرکت در ارمنستان با

سرمایه ایرانیان مشغول به کار بوده‌اند؛ با این وجود در همان سال روسیه چیزی در حدود ۱۰۰۰ شرکت فعال در کشور ارمنستان داشته است (Ottolenghi, 2012).

با این حال بر اساس منابع رسمی ارمنستان، حجم مبادلات تجاری میان ایران و ارمنستان طی ۲۰ سال گذشته به تدریج افزایش یافته، اما با این حال در سال ۲۰۱۲ حجم مبادلات به سقف ۳۱۷ میلیون دلار کاهش پیدا کرد، میزان صادرات ارمنستان به ایران در این سال ۹۷/۸ میلیون دلار بوده است. همچنین حجم صادرات ایران به ارمنستان در سال ۲۰۱۲ میلادی ۲۱۹/۹ میلیون دلار بوده است (Tehran Times, 2013). همکاری‌های دو کشور نه تنها در زمینه گاز و برق، بلکه در سایر زمینه‌ها از جمله صنعت، داروسازی، معدن و پتروشیمی نیز فعال بوده است (Stebbins, Cavellero, 2012).

این آمار و ارقام نشان دهنده اهمیت ویژه روابط تجاری دو کشور همسایه است. ارمنستان همواره به دنبال کاهش وابستگی خود به روسیه و دفاع از ارمنستان در جنگ مقابل جمهوری آذربایجان بوده است؛ اما در مقابل، این کشور برای حفظ اقتصاد خود به ایران وابستگی پیدا کرده است که موافقت‌نامه‌های فراوان میان دو کشور نشان دهنده این واقعیت می‌باشد. علاوه بر این، ارائه موافقت‌نامه تجارت آزاد توسط تهران به ایروان یکی دیگر از تلاش‌ها برای افزایش این روابط است؛ البته این توافقات هنوز به مرحله نهایی نرسیده است (Monique and Racimora, 2013:5). در این خصوص، اعتقاد بر این است که اگر دو کشور در نهایت به توافق برسند، روابط تجاری آنها به شدت گسترش یافته و ایران سعی خواهد کرد، تبدیل به یکی از شرکای اصلی ارمنستان شود.

مبادلات انرژی میان جمهوری اسلامی ایران و ارمنستان

با توجه به اینکه، ارمنستان تولیدکننده نفت و گاز طبیعی نیست، لذا به شدت به واردات هیدروکربن وابسته است. تامین‌کنندگان منابع انرژی این کشور، روسیه و ایران هستند؛ اما گاهی نفت از کشورهایی مانند بلغارستان، رومانی و برخی از کشورهای خاورمیانه نیز وارد این کشور می‌شود. به هر حال، روسیه صاحب حدود ۸۰ درصد از ظرفیت تامین انرژی این کشور است و در نتیجه ارمنستان به شدت وابسته به روسیه است (Khachatryan, 2006). نیروگاه

برق- آبی آرگل گوموش^۱ به عنوان بخشی از پرداخت بدهی‌های ملی ارمنستان به روسیه داده شده است؛ همچنین در آوریل ۲۰۰۶، بلوک ۵ نیروگاه حرارتی تولید برق حرارتی هرازدان^۲ به قیمت ۲۴۸,۸ میلیون دلار به گازپروم که کنترل بخش ارمنی خط لوله گاز ایران و ارمنستان (مغری- گجران) را دارد، فروخته شد (Badalyan, 2011:4).

از طرفی، روسیه تعرفه‌های گاز خود را (در ماه آوریل ۲۰۰۶، ژانویه ۲۰۰۹ و آوریل ۲۰۱۰) افزایش داد، تنوع‌سازی در ذخایر و منابع گازی برای ارمنستان امری حیاتی محسوب می‌شود (Euro Atlantic, Quarterly, January 2011). به همین دلیل در دسامبر ۲۰۰۸، طرح احداث خط لوله مغری- تبریز^۳ به بهره برداری رسید. این خط لوله ۱۴۲ کیلومتری، ظرفیت انتقال ۲/۳ میلیارد مکعب گاز در سال را از تبریز به شهر مغری در ارمنستان را دارد. از همان ابتدا، روسیه در احداث این خط لوله شرکت داشت و شرکت گازپروم ۲۰۰ میلیون دلار در این طرح سرمایه گذاری کرد و بعد، بخش خط لوله واقع در خاک ارمنستان را خریداری کرد (۵۸ درصد این خط لوله متعلق به گازپروم، ۱۰ درصد آن متعلق به شرکت ایترا^۴ و باقیمانده آن متعلق به وزارت انرژی ارمنستان می‌باشد). پس از تکمیل نیروگاه حرارتی ایروان در آوریل ۲۰۱۰، انتقال گاز افزایش یافت. گاز ایران برای تامین سوخت نیروگاه هرازدان در ارمنستان استفاده می‌شود و برق تولید شده در آنجا نیز به ایران در ازای هزینه گاز وارداتی صادر می‌شود (Badalyan, 2011:4).

در راستای همکاری‌های دو جانبه میان دو کشور در زمینه انرژی، برنامه‌ریزی برای ساخت ۳۶۵ کیلومتر خط لوله انتقال نفت از تبریز به یراسخ^۵ صورت گرفته است که این خط لوله ظرفیت انتقال ۱/۵ میلیون لیتر بنزین و گازوئیل در روز را دارد و تخمین زده شده است در سال ۲۰۱۴ تکمیل شود. کارشناسان وزارت انرژی ارمنستان برآورد کرده‌اند که این خط لوله می‌تواند تا ۳۰ درصد از هزینه‌های انرژی ارمنستان را در سال کاهش دهد (Abrahamyan, 26 Jan 2012).

¹. Argel Gyumush.

². Hrazdan

³. Meghri-Tabriz Gas Pipeline

⁴. Itera

⁵. Yeraskh

هم‌تکمیلی استراتژی صادرات گاز جمهوری اسلامی ایران با استراتژی واردات گاز ارمنستان، گرجستان، اوکراین و اتحادیه اروپا

جمهوری اسلامی ایران، گرجستان، اوکراین و مولداوی در زمینه صادرات گاز ایران و حتی ترانزیت آن به این کشورها و سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپا چندین بار مذاکرات رسمی برگزار کردند. این کشورها به گاز طبیعی نیاز دارند و ایران از ذخایر بزرگ گاز برخوردار است و بارها آمادگی خود را برای صادرات گاز به این کشورها اعلام کرده است. از طرفی، اوکراین یکی از بزرگترین واردکنندگان گاز از روسیه است که به شدت نسبت به قیمت هر مترمکعب گاز از روسیه ناراضی است؛ از این رو، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در بلندمدت بخش عمده‌ای از گاز مورد نیاز این کشور و سایر کشورهای مسیر در اتحادیه اروپا را تامین کند. (Ukraine, 2009).

همچنین، روسیه با دارا بودن حدود ۳۲ میلیارد فوت مکعب ذخایر گازی و تولید سالانه ۵۹۰ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی (حدود ۲۲ درصد کل گاز تولید جهان) و با دارا بودن ذخایر نفتی برابر ۷۲/۳ میلیارد بشکه (۶/۱ درصد از کل منابع نفت خام جهان) و تولید بیش از ۷ میلیون بشکه نفت در روز، اهمیت زیادی در تامین انرژی اروپا ایفا می‌کند. در سال ۲۰۱۳ روسیه تامین‌کننده حدود ۳۴ درصد گاز طبیعی وارداتی اتحادیه اروپا بوده است؛ یعنی از مجموع صادرات گاز طبیعی روسیه به میزان ۷/۱ تریلیون فوت مکعب، ۶/۷ تریلیون فوت مکعب آن به کشورهای اروپایی صادر شده است. برخی از اعضای اتحادیه خود تا صد در صد گاز مصرفی خود را از روسیه وارد می‌کنند (BP, 2013).

روسیه بعد از اوپک دومین منبع صدور نفت به اتحادیه اروپا می‌باشد. این به این معنا می‌باشد که وابستگی شدید اتحادیه اروپا به روسیه، خوشایند اتحادیه نیست و در پی آن است تا با متنوع‌سازی منابع انرژی، خود را از این وابستگی فلج‌کننده نجات دهد؛ زیرا یکی از دغدغه‌های مهم برای اتحادیه اروپا وابستگی آن در بخش انرژی است و بسیاری از پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که از سال ۲۰۳۰ به بعد اتحادیه اروپا مجبور به واردات بیش از ۸۴ درصد انرژی خود خواهد بود و این امر به منزله آسیب‌پذیری آن در رقابت‌های جهانی است. (Doran, 2009: 26).

از این رو، اتحادیه اروپا برای تضمین امنیت انرژی مورد نیاز خود در آینده از استراتژی تکثیر منابع تامین انرژی پیروی می‌کند. بر اساس سند منتشر شده در سال ۲۰۰۰ از سوی

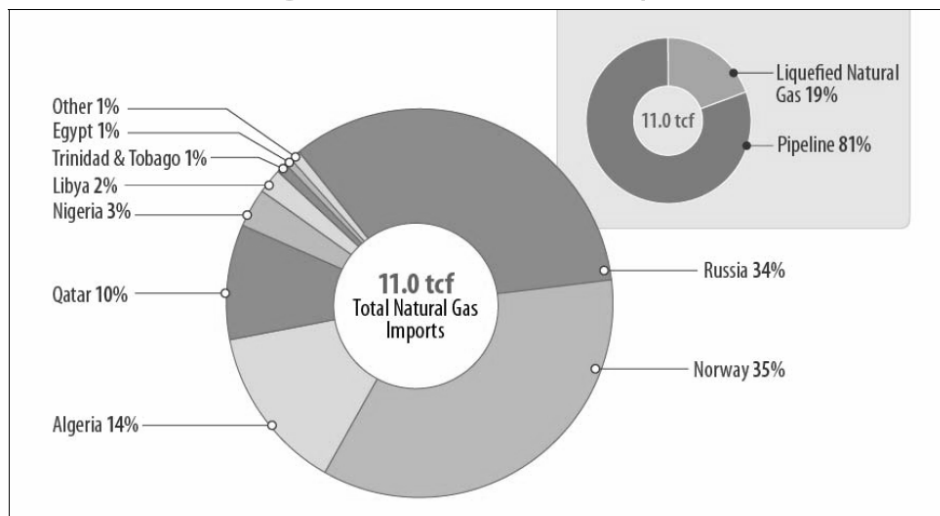
کمیسیون اروپا موسوم به "سند سبز"^۱ نیاز مصرفی اتحادیه اروپا به گاز طبیعی از ۲۳ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۲۷ درصد در سال ۲۰۲۰ خواهد رسید. بعد از تنش‌گازی میان روسیه و اوکراین و تحریم‌گازی روسیه در سال ۲۰۰۶، موضوع امنیت انرژی برای اتحادیه اروپا اهمیت فوق‌العاده پیدا کرده است. به عبارت دیگر، اروپا به صورت جدی طرح‌های مختلفی را برای متنوع‌سازی مبادی واردات اعم از حامل‌های انرژی و خطوط انتقال در دستور کار قرار داده است (European Commission, 2006). از این رو، اتحادیه اروپا واردات گاز از روسیه، دریای خزر، خلیج فارس (به صورت مایع)^۲ و شمال آفریقا را مدنظر قرار داده است. همچنین، اتحادیه اروپا سعی دارد با شبکه‌ای کردن گاز مصرفی اروپا، اهرم فشار روسیه بر هریک از اعضای اتحادیه را خنثی نماید (Ratner and et al., 2013:2-8). تحولات ۲۰۱۴ اوکراین و انضمام کریمه به روسیه، اروپاییان را بیش از پیش به متنوع‌سازی منابع گاز وارداتی ترغیب کرده است. موضوع اتحادیه اروپا در زمینه وابستگی به گاز روسیه برای سایر طرف‌های معامله انرژی با مسکو صدق می‌کند که در این میان ارمنستان و گرجستان نیز از مصادیق آن محسوب می‌شود.

^۱ . Green Paper - A European Strategy for Sustainable, Competitive and Secure Energy

^۲ . قطر هر چند در ظاهر گزینه مناسب برای تامین گاز اروپا (به صورت مایع) در کنار روسیه است. با این حال هزینه صادرات گاز قطر ۳۰ تا ۵۰ درصد بیش از صادرات روسیه است (The Voice of Russia, 14 April, 2014).

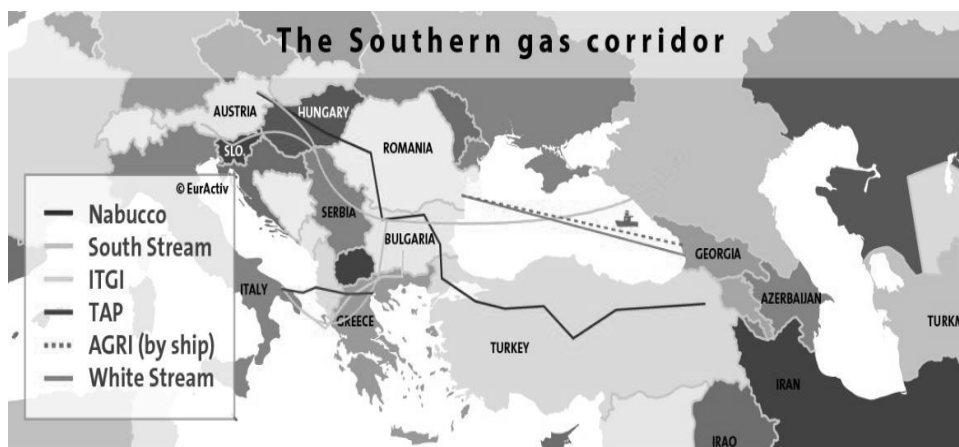
منابع اصلی گاز وارداتی اروپا

Figure I. 2012 EU Natural Gas Imports



Source: BP Statistical Review of World Energy 2013.

اتحادیه اروپا و سایر شرکای انرژی روسیه در قفقاز و اروپای شرقی با توجه به سابقه منفی روسیه در استفاده از انرژی به عنوان سلاح سیاسی و همچنین چانه زنی بر سر قیمت در پی آن است تا با متقاعد کردن کشورهای صادرکننده انرژی و همچنین احداث خطوط جدید انتقال گاز این هدف مهم را محقق کند. از این جهت است که می بینیم خطوط لوله نفت و گاز مانند ناباکو، باکو- تفلیس- جیحان و باکو- تفلیس- ارزروم و باکو- سوپسا ایجاد شده است (امینیان، ۱۰۴:۱۳۹۲-۱۰۳).



Source: Fondation EurActiv PoliTech 2011

بر این اساس است که اروپا درخصوص حضور ایران در بازار گاز اروپا چراغ سبز نشان می‌دهد. در این راستا، تهران موفق شده است، قراردادی با شرکت ای.جی.ال سوئیس امضا نماید که به دلیل شرایط تحریم مسکوت مانده است و همچنین با دولت آنکارا برای ترانزیت گاز طبیعی از خاک ترکیه به توافق نهایی و قطعی دست یابد. به تازگی نیز دولت انگلیس با صدور بیانیه‌ای، از لغو تحریم یکی از میدان‌های گازی متعلق به ایران در دریای شمال به نام "رهام" خبر داده است^۱ (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۲).

نقش بالقوه جمهوری اسلامی ایران و ارمنستان در طرح خط لوله گاز جریان سفید
بازارهای بالقوه انرژی جمهوری اسلامی ایران برای چهار مقصد اصلی منطقه آسیای مرکزی، شرق دور، کشورهای عربی خلیج فارس^۲ و اروپا قابل ارزیابی است. البته ایران کم و

^۱ شرکت نفت انگلیس (BP) با شرکت نفت ایران در میدان گازی رهام در دریای شمال شریک هستند که این میدان گازی به دلیل تحریم‌های اعمالی به بخش انرژی ایران در سال ۲۰۱۰ تعطیل شده بود، اما دولت انگلیس اعلام کرد که لازم و ضروری است برای جلوگیری از آسیب‌های احتمالی، گام‌هایی برای از سر گرفتن تولید گاز برداشته شود. این میدان گازی، چهار درصد از تولید انرژی انگلیس را به طور سالانه تأمین می‌کند.

^۲ پیش‌بینی می‌شود که کشور امارات روزانه حدود ۱/۵ تا ۲ میلیارد فوت مکعب گاز بیشتر از قراردادهای موجود وارداتی نیازمند است تا بتواند میزان مورد نیاز خود را مرتفع نماید. کشور بحرین نیز بعد از سال‌های ۲۰۱۲ به طور متوسط به واردات روزانه ۵۰۰ تا ۱ میلیارد فوت مکعب نیاز دارد. کشور عمان نیز از سال‌های ۲۰۱۳ میلادی به بعد با بحران گاز روبه‌رو خواهد شد و پیش‌بینی می‌شود به وارداتی حدود ۱ میلیارد فوت مکعب در روز گاز نیاز داشته باشد. کشور کویت

بیش با تمامی این بازارها چه از جهت خط لوله و چه به صورت ال ان جی^۱ مبادله گازی دارد. با این حال، غیر از خط لوله گاز ایران به ترکیه، هنوز هیچ طرح استراتژیک صادرات گاز ایران به این کشورها عملیاتی نشده است. ایران دو مسیر را برای صادرات گاز به اروپا برگزیده است؛ مسیر شمالی (ارمنستان، گرجستان و اوکراین) و مسیر جنوبی (ترکیه، بلغارستان و امتداد قلب اروپا). در این راستا، توافقنامه‌ای در سال ۲۰۰۵ میان ایران و اوکراین شکل گرفت؛ اما شرایط بین المللی ایران و اوضاع سیاسی آن را به باد فراموشی برده است. در مسیر جنوبی نیز دو خط صادراتی ایران بیش از همه مورد تأکید است: ناباکو، ترانس آناتولی، ترانس آدریاتیک و طرح فروش گاز به سوئیس (Ratner and et al., 2013:14). با این حال آخرین وضعیت این طرح‌ها نشان‌دهنده آن است که هرچند عملیاتی شدن آنها به جهت مسائل سیاسی با چالش‌هایی روبه‌رو است، اما با این وصف، استراتژی ایران تلاش برای الحاق به خطوط لوله گاز از هر جای ممکن است.

خط لوله گاز جریان سفید، خط پیشنهادی است که طبق آن بخشی از منابع گازی حوزه دریای خزر به گرجستان و سپس از طریق دریای سیاه به اوکراین و در نهایت اروپا انتقال می‌یابد. اولین بار ایده مزبور توسط مقامات اوکراینی در سال ۲۰۰۵ مطرح شد و در سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۷، طرح جریان سفید در کنفرانس‌های مختلف بین المللی مورد بحث و تدقیق قرار گرفت. در می ۲۰۰۷ در مجمع گازی وین و در همان سال در اجلاس سران امنیت انرژی اروپا در ویلنیوس^۲ این طرح مورد بحث قرار گرفت. در سال ۲۰۰۸، نخست وزیر وقت اوکراین رسماً از اتحادیه اروپا درخواست کرد که در اجرای طرح جریان سفید مشارکت نمایند. در ۲۸ می ۲۰۰۸ کمیسیون اروپا این طرح را به عنوان طرحی که منافع مشترک اعضای اتحادیه اروپا را تأمین می‌کند، قلمداد نمود و در فهرست طرح‌های دارای اولویت قرار داد. اتحادیه اروپا با تأمین مالی شرکت مطالعه کننده طرح جریان سفید، عزم

نیز با کمبود شدید گاز روبه‌رو می‌باشد به طوری که این کشور حتی درصدد است گاز را به صورت ال ان جی از سال ۲۰۰۹ وارد نماید. اصلی ترین رقیب ایران در صادرات گاز به این مناطق، قطر است که خود نیز جز کشورهای عربی بوده و روابط مناسب تری با کشورهای فوق دارد. بعنوان مثال پروژه دولفین یکی از بزرگترین طرح‌های خط لوله در منطقه خلیج فارس است که گاز گنبدشمالی را به مشتریان خود از جمله دوی، ابوظبی و عمان انتقال می‌دهد. ایران با اکثر کشورهای عربی مزبور قرارداد صادرات گاز امضا کرده است (کی‌پور و ایزدی، ۱۳۸۸: ۱۵۲).

². Vilnius

خود را برای عملیاتی کردن آن نشان داد. تا کنون چندین کشور اروپای شرقی شامل رومانی، لهستان، لیتوانی برای اقدامات مطالعاتی طرح جریان سفید مبالغی را هزینه کرده‌اند (Socor, 29 October 2009).

این مسیر خط لوله قرار است به طول ۱۳۳ کیلومتر از منابع گازی شاه دنیز جمهوری آذربایجان شروع و به گرجستان برسد و از گرجستان بر روی بستر دریای سیاه به طول ۶۳۰ کیلومتر به شبه جزیره کریمه انتقال یابد. در پی تحولات سیاسی منطقه در نیمه اول ۲۰۱۴ و انضمام کریمه به روسیه، می‌باید خط لوله مزبور از بستر آب‌های مقابل کریمه رد شده و به سواحل جنوبی اوکراین متصل شود. پس از آن از طریق اوکراین به مولداوی و سایر کشورهای اروپای شرقی و غربی انتقال یابد. قرار است که عملیات اجرایی آن در سال ۲۰۱۶ آغاز گردد. شرکت مجری این طرح یک کنسرسیوم بین‌المللی است که بخش اعظم آن را شرکت‌های آمریکایی و انگلیسی تشکیل می‌دهند. هزینه احداث خط لوله در بستر دریای سیاه حدود سه میلیارد دلار در صورت اتصال به کریمه برآورد شده است. اگر قرار باشد از آب‌های بین‌المللی مقابل کریمه عبور کرده و به جنوب اوکراین متصل شود هزینه آن به مراتب افزایش پیدا خواهد کرد.

مسیر دیگری که برای آن پیشنهاد گردید خط لوله به طول ۱۱۰۵ کیلومتر از گرجستان به رومانی از روی بستر دریای سیاه است تا تغییر اوضاع سیاسی در اوکراین انتقال گاز را به اروپا دچار مشکل نکند. البته هزینه این خط دوم به مراتب از خط اول زیادتر خواهد بود. ولی با توجه به انضمام کریمه به روسیه، تنها مسیر احتمالی خط لوله جریان سفید عبور از بستر دریای سیاه و اتصال به رومانی است (Pirani, 8 November 2007).

مزایا و موانع پیش روی اجرای طرح اتصال گاز جمهوری اسلامی ایران به خط لوله گازی جریان سفید

مهم‌ترین مزیت خط لوله گاز فرضی به ارمنستان، گرجستان و اوکراین این است که کشور عرضه‌کننده (ایران)، کشورهای ترانزیت‌کننده (ارمنستان و گرجستان) و دول مصرف‌کننده (اوکراین، مولداوی، رومانی و غیره) همگی از جهات سیاسی و اقتصادی متمایل به احداث و بهره‌مندی از چنین خط لوله‌ای هستند. ایران به دلیل ذخایر عظیم گاز به دنبال

بازارهای جدید انرژی است. ارمنستان و گرجستان به دلیل شرایط نامساعد اقتصادی و فقر منابع انرژی و همچنین متکثرسازی منابع تامین انرژی و حق ترانزیت از احداث این خط لوله استقبال خواهند کرد. کشورهای نظیر اوکراین، رومانی و غیره نیز سال‌ها به دنبال کاهش وابستگی به گاز روس‌ها هستند. بنابراین، طبق نظریه تکمیل کانتوری و اشیپگل، منافع کشورهای ذی‌ربط مکمل یکدیگر است و این امر فرایند همکاری را تسریع می‌کند. از طرف دیگر، ذخایر گاز موجود در جمهوری آذربایجان که بالغ بر ۸۴۹۵۰۰۰۰۰ برآورد شده است (BP, 2013: 20) در درازمدت و همزمان نمی‌تواند نیازهای انرژی ترکیه و اروپا را تامین نماید؛ پس چگونه می‌تواند نیاز انرژی اوکراین و اروپای شرقی را محقق کند. مضافاً اینکه به دلیل اختلاف بر سر رژیم حقوقی دریای خزر امکان تجمیع منابع گازی کشورهای شرق دریای خزر در خطوط لوله گاز جمهوری آذربایجان وجود ندارد. بنابراین، جمهوری آذربایجان به تنهایی نمی‌تواند در درازمدت نیازهای انرژی ترکیه، اروپای غربی و شرقی را همزمان تامین نماید.

از طرفی، مهم‌ترین مانع تحقق طرح فوق آمریکا و روسیه هستند. روسیه به دنبال انحصاری کردن بازار سنتی انرژی خود است و آمریکا نیز به دنبال منزوی کردن ایران می‌باشد. از طرفی، روسیه با در پیش گرفتن طرح‌ها و طرح‌های مختلف انتقال انرژی، در صدد است، ضمن کاهش وابستگی خود به خطوط لوله موجود گاز که از کشورهای هم‌جوار ترانزیت می‌شود به حفظ انحصاری بازار گاز در اروپا و قفقاز مبادرت نماید. البته روسیه استراتژی انحصار صادرات گاز را هیچوقت رسماً اعلان نکرده است (Ratner and et al., 2013: 2-8).

افتتاح خط لوله بلو استریم^۱ به طول ۱۲۱۳ کیلومتر در نوامبر ۲۰۰۵، روسیه را از طریق دریای سیاه به ترکیه و سپس بازارهای اروپا متصل می‌کند؛ افتتاح طرح خط لوله ۱۲۰۰ کیلومتری روسیه - آلمان در سال ۲۰۱۲ که روسیه را بدون گذر از لهستان و اوکراین، مستقیماً از دریای بالتیک به آلمان متصل می‌سازد و طرح‌هایی که کشورهای آسیایی از جمله چین و ژاپن را هدف صادرات گاز خود قرار می‌دهند، همگی در راستای سیاست‌های جدید انرژی و کنترل و انحصار روسیه بر انتقال و عرضه انرژی در دهه‌های آتی است (اسدی کیا، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۴). در راستای این استراتژی در ژوئن ۲۰۱۳ سهام شرکت توزیع گاز آرگ^۲

^۱. Blue Stream

^۲. ArmRosGazprom (ARG)

ارمنستان توسط شرکت گازپروم روسیه خریداری شد و روس‌ها با این کار قصد دارند بر سیاست‌های انرژی ارمنستان تاثیر بگذارند. اما همانگونه که جمهوری آذربایجان توانسته است در برابر چشمان باز روسیه، سیاست‌های انرژی خود را مستقلاً در عرصه بین‌المللی دنبال کند به نظر می‌رسد در صورت شرایط مساعد بین‌المللی، مسکو مانع فعالیت ایران در انتقال انرژی نگردد؛ زیرا هیچ مستمسک حقوقی در مانع تراشی آن نخواهد داشت. همانگونه که در حال حاضر اوکراین موفق شده است، نیازهای انرژی خود را از سایر جمهوری‌های شوروی سابق تامین نماید؛ مضافاً این که روسیه مرز مشترک با ارمنستان ندارد و سیاست‌های غرب‌گرایانه گرجستان می‌تواند، استدلال لازم را برای ایروان جهت همکاری انرژی با تهران فراهم نماید. مضافاً این که همانطور که ایران از جهت تهاتر نفتی با مسکو اعلان آمادگی نموده است، این کار می‌تواند در زمینه گاز نیز صورت گیرد. تهاتر گازی با روسیه، حساسیت این کشور را به مشارکت احتمالی ایران در طرح جریان سفید خواهد کاست.

از طرفی، واشنگتن نیز در چارچوب مولفه‌های ژئوپلیتیک، مهم‌ترین هدف خود را بازداشتن قدرت‌های منطقه‌ای یعنی چین، روسیه و ایران و به خصوص دو قدرت اخیر از تبدیل شدن به بازیگر موثر در ژئوانرژی میداند. در این راستا، سعی آمریکا بر این بوده تا با با استراتژی "خط لوله چندگانه از طریق کشورهای همسوی سیاسی" با انتقال نفت و گاز منطقه از طریق روسیه و ایران مقابله کند. بدون تردید، ایران به دلیل اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک در کانون سیاست طرد واشنگتن در منطقه قرار دارد و با هر گونه نفوذ ایران در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز مقابله می‌نماید. از این‌رو، مسیرهای انرژی شامل مسیر باکو-جیحان از طریق گرجستان و ترکیه، مسیر ترکمنستان-پاکستان از طریق افغانستان، خط لوله جریان سفید و همچنین خط لوله زیر دریا بین ترکمنستان و جمهوری آذربایجان (ترانس خزر) از سوی واشنگتن تشویق می‌شود. این استراتژی کلی آمریکا قبلاً توسط «بیل ریچاردسن»^۱ وزیر انرژی آمریکا در دولت کلینتون اعلام شد، "این طرح تنها مساله نفت و گاز نیست، این تنها یک لوله نفتی نیست، بلکه یک موضوع استراتژیک است" (کالاجی، ۱۳۸۷: ۲۵-۲۶). اما نکته این است که مشارکت ایران در طرح جریان سفید کاملاً با سیاست‌های واشنگتن و اروپا مغایرت نخواهد داشت. ایران قرار است که به عنوان یکی از تامین‌کنندگان انرژی در طرح جریان سفید پیشنهاد شود، نه تامین‌کننده انحصاری؛ بنابراین در صورت ادامه تنش سیاسی میان

^۱. Bill Richardson

غرب و مسکو بر سر بحران اوکراین و کاهش تنش سیاسی بین تهران و غرب، به نظر می‌رسد که مخالفت‌های غرب در این زمینه تعدیل گردد.

نتیجه‌گیری

در نگاه اول، شاید همکاری گسترده میان جمهوری اسلامی ایران و اولین کشوری که مسیحیت را در قفقاز به عنوان دین رسمی اعلام کرد، امری عجیب به نظر برسد. با این حال، آن را می‌توان پاسخی به بسیاری از عوامل مساعد و نامساعد داخلی، منطقه‌ای و ژئوپلیتیک دانست. به عبارت دیگر دلایل سیاسی، اقتصادی و ژئوپلیتیک، جمهوری اسلامی ایران و ارمنستان همکاری فزاینده‌ای را تجربه کرده‌اند. همکاری جمهوری اسلامی ایران با ارمنستان، زمینه حضور ایران در منطقه قفقاز را فراهم می‌کند. به علاوه، این روابط از وابستگی کامل ایروان به مسکو جلوگیری کرده و اجازه دسترسی به منابع هیدروکربن ایران را به ارمنستان می‌دهد. توسعه روابط جمهوری اسلامی ایران با ارمنستان می‌تواند، ایروان را در مرکز محوری قرار دهد که از طریق آن کشور روسیه هم به آب‌های گرم خلیج فارس دست خواهد یافت و ایران هم به بازارهای اروپایی دسترسی پیدا می‌کند.

از نظر جمهوری اسلامی ایران، ایجاد ارتباط ویژه با ارمنستان راه را برای حضور ایران در منطقه قفقاز و برقراری تعادل استراتژیک در برابر غرب‌گرایی شدید جمهوری آذربایجان فراهم می‌نماید. در نهایت با در نظر گرفتن موقعیت ارمنستان در قفقاز، این فرصت برای تهران فراهم می‌شود که به دنبال راه‌های جدید صادرات گاز باشد. ارمنستان که به روش‌های متعدد نشان داده است که از جمله همسایه‌های قابل اطمینان برای جمهوری اسلامی ایران است، آرامش در خور توجه‌ای را به دور از تنش‌ها و اصطکاک‌های درون منطقه‌ای در حوزه دریای خزر و آسیای مرکزی برای ایران فراهم کرده است.

البته جمهوری اسلامی ایران و ارمنستان در قالب دو شریک تجاری فرعی باقی‌مانده‌اند. ولی تجربه صادرات گاز ایران به ترکیه نشان داده که آنکارا با وجود اعمال شدیدترین تحریم‌های خصمانه نفتی غرب علیه ایران همچنان به حمایت سیاسی و اقتصادی خود از جمهوری اسلامی ایران ادامه می‌دهد. بر این اساس، احداث خط لوله گاز ایران از طریق ارمنستان و انتقال آن به تشنگان انرژی در دریای سیاه می‌تواند در رمزگشایی عمق راهبردی کشور در ابعاد اقتصادی تعمیق ببخشد. ولی قطعاً موانع سیاسی مانند فشار روسیه و

آمریکا مانع تحقق آسان این طرح خواهد شد. ضمناً بحران ۲۰۱۴ اکراین بر پیچیدگی آن افزوده و جمهوری‌های سابق شوروی بیش از این ملاحظات روسیه را در مراودات بین‌المللی مدنظر خواهند داشت. بنابراین، طرح پیشنهادی مقاله حاضر در مرحله ایده‌پردازی است.

منابع و مأخذ

- اسدی کیا، بهناز (۱۳۸۴)، "گاز؛ عرصه جدید بازیگری"، مرکز تحقیقات استراتژیک، قابل دسترسی در:
<http://www.csr.ir/departments.aspx?lng=fa&abtid=07&&depid=44&semid=202>, Accessed on: 24/5/ 2014.
- امید، علی (۱۳۸۸)، منطقه گرایی در آسیا، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- امینیان، بهادر (۱۳۹۲)، "ژئوپلیتیک انرژی: اتحادیه اروپا و امنیت انرژی"، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال نهم، شماره دوم.
- ایسنا (۱۳۹۲)، "انگلیس تحریم یکی از میدان‌های گازی ایران را لغو کرد"، قابل دسترسی در:
<http://isna.ir/fa/news/92080100376>, Accessed on: 24/5/ 2014.
- حیدری، محمد علی (۱۳۸۶)، "رژیم‌های بین المللی و تحولات سیاسی - اقتصادی در قفقاز"، فصلنامه سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال پنجم، شماره ۱۰، بهار و تابستان.
- خبرگزاری ایسنا (۱۳۹۲)، "سفیر ارمنستان در تهران: ایران هفتمین همکار تجاری ارمنستان است"، قابل دسترسی در:
<http://isna.ir/fa/news/91091206395/>, Accessed on: 24/5/ 2014.
- خبرگزاری مهر (۱۳۹۲)، "جزئیات پیشنهاد جدید گازی ایران به اروپا/ تهران حیات خلوت گاز روس‌ها را نشانه گرفت"، قابل دسترسی در:
<http://www.mehrnews.com/detail/News/2127602>, Accessed on: 24/5/ 2014.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت.
- سایت رسمی شرکت گاز ایران (۱۳۹۲)، "مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران از تکمیل زیرساخت‌های مورد نیاز صنعت گاز برای توسعه این صنعت خبر داد"، قابل دسترسی در:
<http://www.nigc.ir/Site.aspx?ParTree=111816&LnkIdn=162579>, Accessed on: 24/5/ 2014.
- عطایی، فرهاد (۱۳۹۱)، "ایران و کشورهای قفقاز جنوبی"، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال پنجم، شماره ۱۰.
- کالچی، شهرام (آذر ۱۳۸۷)، "نقش ایران در انتقال انرژی آسیای مرکزی"، ماهنامه گزارش، شماره ۲۰۳.
- کی‌پور، جواد و جهانبخش ایزدی (۱۳۸۸)، "دیپلماسی انرژی و لزوم استفاده از آن برای تامین منافع ملی ایران در جهان"، فصلنامه بین المللی روابط خارجی، شماره ۴.
- قیصری، نورا... و گودرزی، مهناز (۱۳۸۸) "روابط ایران و ارمنستان: فرصت‌ها و موانع"، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال دوم، شماره سه، زمستان و بهار.

- ماجدی، علی (۱۳۹۳)، "۳ سناریو برای صادرات گاز ایران به اروپا"، سایت فرارو، قابل دسترسی در: <http://fararu.com/fa/news/190728>, Accessed on: 30/5/ 2014.

- هرسیچ، حسین و مجتبی تویسرکانی (۱۳۸۷)، "چشم‌انداز سیاسی روابط فرهنگی ایران و ارمنستان؛ بررسی اصول نواقع‌گرایی"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۴.

- Abrahamyan, Gayane (2012), "Armenia: Yerevan Wants to Open Up to Iran", *Eurasianet.Org*, Available at: <http://www.eurasianet.org/node/64910> ,Accessed on: 24/5/ 2014.

- Badalyan, Lusine (2011), "Interlinked Energy Supply and Security Challenges in the South Caucasus", *Caucasus Analytical Digest*, No. 33, Available at: http://hawk.ethz.ch/serviceengine/Files/ISN/135318/ipublicationdocument_singleedocument/ad2b371a-4257-43d0-94d63848409fc236/en/CaucasusAnalyticalDigest33.pdf, Accessed on: 24/5/ 2014.

- *BP Statistical Review of World Energy* (2013), Available at: [www.bp.com/bp/statistical review/statistical_review_of_world_Energy 2013 pdf](http://www.bp.com/bp/statistical%20review/statistical_review_of_world_Energy%202013.pdf), Accessed on: 24/5/ 2014.

- Cantori, J. Louis & Steven L Spiegel (1970), *The International Politics of Regions*, New Jersey: Prentice Hall, Englewood Cliffs.

- Doran, Peter(2009), "Collective Energy Security: A New Approach for Europe", *Journal of Energy Security*.

- *European Commission* (2006), "Green Paper - A European Strategy for Sustainable, Competitive and Secure Energy", Available at: http://europa.eu/documents/comm/green_papers/pdf/com2006_105_en.pdf, Accessed on: 24/5/ 2014.

- *European Commission* (2007), "DG Competition Report on Energy Sector Enquiry", Available at: http://ec.europa.eu/competition/sectors/energy/inquiry/full_report_part1.pdf, Accessed on: 24/5/ 2014.

- Fondation EurActiv PoliTech (2011) *Europe's Southern Gas Eorridor: The Great Pipeline Race*, Available at: <http://www.euractiv.com/energy/europes-southern-gas-corridor-great-pipeline-race-links dossier-498558>, Accessed on: 24/5/ 2014.

- Euro Atlantic Quarterly (2011), "Armenia's Energy Policy and Security", Available at: <http://eaq.sk/clanok/2011-01-08-armenia-s-energy-policy-and-security>, Accessed on: 24/5/ 2014.

- Galstyan, Narek (2013), "The Main Dimensions of Armenia's Foreign and Security Policy", *The Norwegian Peace Building Resource Center*.

- Hakobyan, Tatul (2009), "In Five Years, Armenia, Iran to be Connected by Rail", *The Armenian Reporter*, Available at:

- <http://www.reporter.am/go/article/2009-04-10-in-five-years-armenia-iran-to-be-connected-by-rail> , Accessed on: 24/5/ 2014.
- House of Lords (2008) “The European Union and Russia. 14th Report”, European Union Committee, Available at: <http://www.publications.parliament.uk/pa/ld200708/ldselect/ldEUcom/98/9802.htm>, Accessed on: 24/5/ 2014.
 - Hudson, M. V.(2005),“Foreign Policy Analysis: Actor-Specific Theory and the Ground of International Relations”, *Review of International Studies*, No. 28.
 - International Energy Agency (IEA) (2004), *World Energy Outlook 2004*, Available at: <http://www.iea.org/weo/docs/weo2004/WEO2004.pdf>, Accessed on: 24/5/ 2014.
 - Khachatryan, Haroutiun, (2006), “Gas Prices Prompt Armenia to Debate Alliance with Russia”, *Eurasianet.org*, Available at: [at:http://www.eurasianet.org/departments/insight/articles/eav013006.shtml](http://www.eurasianet.org/departments/insight/articles/eav013006.shtml), Accessed on: 24/5/ 2014.
 - Makhsudyan , Arpi (2010), “Armenia Offers Iranian Tourists Breath of Fresh Air”, *Mianeh.net* , Available at: <http://mianeh.net/article/armenia-offers-iranian-tourists-breath-fresh-air>, Accessed on: 24/5/ 2014.
 - *Ministry of Foreign Affairs of the Republic of Armenia* (2012), “Bilateral Relations with the Islamic Republic of Iran”, Available at: <http://mfa.am/en/country-by-country/ir> , Accessed on: 24/5/ 2014.
 - Monique, Claude and Williame Racimora(2013), “The Armenia-Iran Relationship, Strategic Implications for South Caucasus Region”, *European Strategic Intelligence and Security Center*, Available at:<http://www.esisc.org/publications/analyses/the-armenian-iran-relationship>, Accessed on: 24/5/ 2014.
 - Ottolenghi, Emanuele (2012), “Iran's Armenian Connection”, *The Weekly Standard*, available at: http://www.weeklystandard.com/blogs/irans-armenian-connection_637088.html, Accessed on: 24/5/ 2014.
 - Pirani, Roberto (2007), “White Stream Pipeline. Caspian Gas for Eastern and Central Europe”, *The 3rd Emerging Europe Energy Summit, Frankfurt, Germany: IBP Conferences*.
 - Ratner, Michael and et al.(2013), “Europe’s Energy Security: Options and Challenges to Natural Gas Diversification”, *Congressional Research Service*.
 - *Tehran Times* (2011), “Iran, Armenia mulling free trade agreement”, Available at:<http://www.tehrantimes.com/economy-and-business/93896-iran-armenia-mulling-free-trade-agreement>, Accessed on: 24/5/ 2014.
 - *Tehran Times* (2013), “Iran, Armenia ink Trade Cooperation Agreement”, Available at: <http://www.tehrantimes.com/economy-and-business/109372-iran-armenia-ink-trade-cooperation-agreement>, Accessed on: 24/5/ 2014.

- *The Voice of Russia*(2014), “Europe can't Get Rid of Gazprom”, Available at: http://voiceofrussia.com/news/2014_04_14/Europe-cant-get-rid-of-Gazprom-9387/, Accessed on: 24/5/ 2014.
- Shukman, David(2014), “How does Europe Wean Itself off Russian Gas?”, *BBC News*, Available at: <http://www.bbc.com/news/science-environment-27239734>, Accessed on: 24/5/ 2014.
- Socor ,Vladimir (2009), “White Stream can De-Monopolize the Turkish Transit of Gas to Europe”, *Eurasia Daily Monitor* 6 (199) (The Heritage Foundation).
- Stebbins, Dave, Nicholas Cavellero, Courtney Gates et al., *Defense Institution Building in the Caucasus to Promote Regional Stability*, Columbia School of International and Public Affairs for the RAND Corporation, Available at: http://www.sipa.columbia.edu/academics/workshops/documents/FORPUBLICATION_RANDCorp_Report.pdf, Accessed on: 24/5/ 2014.
- Ukraine (2009), *Energy Policy Review 2009*, IEA/OECD.
- Winrow, Gareth M. (1995), “Azerbaijan and Iran”, in *Regional Power Rivalries in the New Eurasia: Russia, Turkey, and Iran*, ed. by Alvin Z. Rubinstein and Oles M. Smolansky, New York, ME Sharpe, vol. 1.